

هنر و زیبایی از منظر قرآن و نقش تربیتی آن برای مخاطبان

محمد کریم امیری^۱

چکیده

گرایش به هنر و زیبایی یکی از امور ذاتی در انسان است و همین نیرو در امر تربیت انسان‌ها نقش کلیدی دارد. قرآن کریم نیز هم به ذات هنر و زیبایی توجه کرده و هم از کاربرد هنر و زیبایی برای تربیت بشر بهره برده است. این مقاله که با روش تحلیلی-توصیفی تدوین شده، به دنبال بیان اهمیت و جایگاه هنر و زیبایی در قرآن و نقش تربیتی آن است تا پاسخی به این سؤال اصلی بیابد که «هنر و زیبایی در قرآن چه جایگاه و چه نقش تربیتی برای مخاطبان قرآن دارد». یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که منشأ زیبایی ذات خداوند است؛ زیرا او همه زیبایی‌ها را می‌آفریند و آفریننده زیبایی‌ها، خود باید دارای کمال و نهایت زیبایی باشد. قرآن برای تبلیغ خود از گرایش انسان‌ها به زیبایی استفاده کرده و امر دین‌مداری را تبلیغ می‌نماید؛ زیرا این نوع تبلیغ را که با گرایش انسانی انسان‌ها سر و کار دارد، مؤثرتر و مفیدتر است. مصادیق هنر و زیبایی از قبیل زیبایی در چگونگی شکل ظاهری انسان‌ها، زیبایی در آسمان و ستاره‌ها، زیبایی در جانداران، زیبایی در طبیعت و زیبایی در رنگ‌ها در اموری است که در قرآن بیان شده است.

کلیدواژه‌ها: هنر، زیبایی، هنر در قرآن، زیبایی در قرآن، نقش تربیتی هنر و زیبایی

۱. گروه قرآن و علوم تربیتی، مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث، جامعه المصطفی العالمیه، سرپل، افغانستان.

شماره تماس: ۰۷۴۸۳۲۵۳۶۸، ایمیل: m.karim.amiri@gmail.com

مقدمه

هنر و زیبایی‌شناسی از منظرهای گوناگونی قابل بحث است. مفهوم این واژه در هر یک از حوزه‌های معرفت‌شناسانه، علوم عقلی و علوم نظری، علوم قدیم و علوم جدید، معنایی قابل تفکیک خواهد داشت؛ اما آنچه در این دیدگاه قابل طرح و حائز اهمیت است، بررسی مقوله زیبایی‌شناسی به مفهوم ذاتی یا فلسفی آن است. نقطه غایی و نهایی و فصل مشترک شناخت زیبایی و مفهوم هنر همان فطرت انسان است. تلقی انسان‌ها از زیبایی، کاملاً با سرشت و فطرت انسان‌ها همسان و هماهنگ است. از آنجا که فطرت انسان‌ها فطرتی پاک، الهی و خداجو و حقیقت‌خواه است، ناخودآگاه مفهوم زیبایی با خداوند متعال گره می‌خورد و تمامی زیبایی‌ها در ذات اقدس باری تعالی جمع می‌شود. لذا این بحث به نوعی با الوهیت پیوند خواهد داشت و مفهومی است ابدی و ازلی که همه موجودات را تحت تأثیر خود قرار داده است.

این نوع از زیبایی، زیبایی مطلق است که همگان بر آن متفقند؛ یعنی زیبایی یکتا و یگانه زیبا که هیچ جمالی فراتر از او نیست. از سوی دیگر، هنر وسیله‌ای برای رسیدن به حالتی از شور و شوق است. به همین دلیل، هنر به زندگی کردن ارزش می‌دهد. لذا منشأ دین و هنر یگانه است. در ادوار مختلف و در جوامع انسانی هرگاه دین در جامعه حاکم شده است، آثار هنری نیز تعالی یافته و هدفمند و جهت‌دار شده است. پرسشی که این مقاله در پی پاسخ آن است این است که جایگاه هنر و زیبایی در قرآن چگونه است؟ و دارای کدام نقش تربیتی است. هنر و زیبایی سابقه به طول خلقت بشریت دارد و هنر و زیبایی در قرآن نیز از همان بدو نزول با توجه به آیات شریفه مطرح بوده است. هنر و زیبایی یکی از ابعاد اعجاز قرآن کریم نیز به شمار می‌رود، دانشمند معروف به نام ابراهیم بن سیار معروف به نظام (۲۲۴م)، به این نکته اشاره می‌کند. (مناع القطان، ۱۴۲۱، ۱: ۲۶۱)

هنر و زیبایی را برخی یکی از مباحث علوم قرآنی قرار داده است و بیان می‌دارد: «بررسی زیباشناسی‌های قرآن همچنان تا امروز تحت عنوان مباحث علوم قرآنی



ادامه می‌یابد. قرآن پژوهانی بر محوریت خاصی از ابعاد وجوه قرآن تأکید می‌کند و آن را دلیل بر زیبایی آن و سند نبوت و پیامبر بر می‌شمارند». (زرکشی، ۱۳۷۶، ۲: ۲۲۶-۲۳۸)

چگونگی شناخت جایگاه هنر و زیبایی در قرآن، بیان‌کننده ضرورت این شناخت را می‌رساند و با هدف رسیدن به کدام نوع بیان از سوی قرآن کریم برای هنر و زیبایی و کدام نقش تربیتی می‌تواند ایفا نماید، در این مقاله بحث می‌شود.

۱. تعریف مفاهیم

۱-۱. هنر

هنر در لغت به معنای فن، صنعت، فضل، کیاست، فراست، لیاقت و کمال آمده است. (ر.ک. دهخدا، ۱۳۷۳: واژه هنر)

۱-۲. زیبایی

برخی بر این باورند که زیبایی قابل تعریف نیست؛ زیرا نه جنس و فصل آن معلوم است و نه می‌توان فرمولی برای تعیین و ارائه کرد، همان‌گونه که در شیمی برای امور مادی، فرمول‌هایی معین می‌کنند. دلیل این عدم تعریف‌پذیری هم این است که در میان حقایق عالم، عالی‌ترین حقیقت آن است که سؤال از چیستی آن صحیح نیست. لذا زیبایی را نمی‌توان تعریف کرد؛ (تاجدینی، ۱۳۶۹: ۶۷) اما دیگر زیبایی را این گونه تعریف کرده‌اند: «هنر تجلی و تبلور زیبا گونه و عینی احساسات و اندیشه‌های درونی آدمی است که با شیوه‌ها و ابزار متناسب انجام می‌پذیرد». (نصیری، ۱۳۸۷: ۲۴)

۲. مبانی هنر و زیبایی در قرآن

آنچه می‌توان به عنوان زیربنای هنر و زیبایی در قرآن مطرح کرد و این که این گزاره‌ها می‌تواند اساس و هست‌های ثابت این بحث قرار بگیرد یا نه، در ادامه خواهد آمد:

۲-۱. جمال‌گرایی ذاتی انسان

از آیات و روایات به دست می‌آید که انسان به طور ذاتی موجودی جمال‌گراست. این خصیصه در انسان را می‌بایست نمادی از صفت الهی دانست؛ زیرا انسان آینه تمام



نمای خداوند است و خداوند همه صفات خود را در انسان قرار داده است. از آنجایی که خداوند زیبا است و زیبایی را دوست می‌دارد «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَمِيلٌ يَحِبُّ الْجَمَالَ»، (صدوق، ۱۳۶۲، ۲: ۶۱۰) انسان نیز که بر صورت خدایی است و رنگ خدا گرفته است «صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ»؛ (بقره ۱۳۸) کیست که از خداوند بهتر رنگ‌آمیزی کند؛ یعنی شریعت و آیینی مقرر نماید که مطابق فطرت باشد». (طبرسی، ۱۳۷۲، ۱: ۴۰۷)

انسان به‌طور طبیعی گرایش به زیبایی دارد و می‌کوشد در کارهایش این جنبه را نادیده نگیرد. از این‌روست که همه سازه‌های بشری که از بقا و ماندگاری در میان نسل‌ها برخوردار است، از جنبه‌های زیباشناختی خالی نیست. اگر به موزه‌های تاریخ مراجعه شود، به‌خوبی در هر سازه انسانی می‌توان به جنبه‌های زیباشناختی در تاریخ بشر پی برد؛ زیرا انسان به‌طور طبیعی می‌کوشد که حتی در سازه‌هایی که به نظر می‌رسد باید تنها جنبه کاربردی و هدف عادی مراعات شود، جنبه‌های زیباشناختی را نیز مراعات کند. پس به‌طور طبیعی اگر انسان بخواهد کاری کند که دست او برای هنرنمایی بازتر است، بیش از دیگر ابعاد آن کار، به فکر جنبه زیبایی آن است.

۲-۲. زیبایی و جاذبه قرآن

قرآن کریم خود از زیبایی‌های صوری خود سخنی به میان نیاورده است، بلکه این مخاطبین است که جاذبه‌های قرآن را دریافته‌اند و تأثیر درونی و بیرونی آن را بر قلب‌ها پذیرفته‌اند. این فهم جاذبه تنها مختص مسلمانان هم نیست، بلکه حتی کفار و مشرکین نیز از قرآن کریم به‌عنوان کتابی که مسحورکننده است، یاد می‌کنند. وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ؛ (قمر: ۲) می‌گویند این سحری مستمر است. فَقَالَ إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ يُؤْتَرُ؛ (مدثر: ۲۴) و سرانجام گفت: این (قرآن) چیزی جز افسون و سحری همچون سحرهای پیشینیان نیست.



۲-۳. هنر و زیبایی فراطبیعی

قرآن کریم هنر و زیبایی را از زیبایی های مادی و محسوس فراتر قرار داده است که زیبایی ها شامل زیبایی معنوی و اخلاقی می شود و این تمایز از بزرگ ترین تمایز مبانی اسلام و قرآن با دیگر مکاتب غیر الهی است. لذا از جمله زیبایی های مورد نظر قرآن در سه محور ذیل قابل بررسی است:

الف. صبر زیبا: قرآن کریم صبر در مقابل مصائب و برخی از مشکلات دنیایی را با وصف جمیل توصیف می کند. «فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا» (معارج: ۵) پس صبر کن، صبر زیبایی».

ب. عفو و اغماض زیبا: عفو و اغماض از دیگر زیبایی های مورد تأیید قرآن کریم است که می فرماید: «وَإِنَّ السَّاعَةَ لَآتِيَةٌ فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ» (حجر: ۸۵) و ساعت موعود [قیامت] قطعاً فرا خواهد رسید (و جزای هر کس به او می رسد). پس از آن ها به طرز شایسته ای صرف نظر کن و آن ها را بر نادانی هایشان ملامت ننما». ج. جدایی و زیبایی: از نظر قرآن نوعی از جدایی و مفارقت نیز می تواند با زیبایی وصف شود. چنانکه قرآن کریم به آن اشاره دارد: «وَاصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا» (مزمّل: ۱۰) «و در برابر آنچه (دشمنان) می گویند شکبیا باش و گونه شایسته از آنان دوری گزین».

علامه طباطبایی در ذیل این آیه بیان می دارد:

[ای پیامبر] آنچه می گویند و با آن تو را اذیت و استهزا نموده به اموری از قبیل کهنانت و شاعری و جنون متهمت نموده قرآنت را اساطیر اولین می خوانند، صبر کنی و نیز لازمه آن این است که با آن ها به خوبی قهر کنی و مراد از «هَجْرًا جَمِيلًا» قهر کردن به خوبی» این است که با آنان به حسن خلق معامله نموده و به خیرخواهی به سوی حق دعوتشان کند و گفته های آنان را با گفته هایی که می تواند بگوید مقابله به مثل ننماید. (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۲۰: ص ۶۰)

قرآن می فرماید:

...وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَبٌ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيْنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَتْ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ



وَالْعَصِيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ؛ (حجرات: ۷) ... ولی خداوند ایمان را محبوب شما قرار داده و آن را در دل‌هایتان زینت بخشیده و (به عکس) کفر و فسق و گناه را منفورتان قرار داده است؛ کسانی که دارای این صفاتند هدایت یافتگانند.

آیه شریفه فوق‌الذکر بر سه قسم از منهیات، کفر، فسق و عصیان، اشاره می‌کند که قطعاً باید بین عصیان و فسق فرق باشد تا عطف‌های در آیه درست شود. فسق یعنی گناهان کبیره و عصیان یعنی گناهان صغیره. (رازی، ۱۰، ۱۴۲۰: ۵۹) خداوند از راه تشویق و ذکر ثواب و مدح نیکوکاران، ایمان و کار نیک را در نظر نیکوکاران شیرین و محبوب کرد و از راه بیان عقاب کفر و گناه و مذمت کفار و گنه‌کاران، کفر و گناه را از نظرهایشان انداخت. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۷: ۳۱۲) خداوند اگر ابلیس را تأیید کرده تا بتواند باطل و کفر و فسق را در نظر بشر جلوه دهد، انسان را هم با هدایت به‌سوی حق تأیید نموده و ایمان را در قلبش زینت داده و محبوب ساخته و به او فطرت توحیدی ارزانی داشته و به فجور و تقوایش ملهم نموده و نوری پیش‌پایش نهاده تا اگر ایمان آورد با آن نور در میان مردم آمد و شد کند. (همان، ۱۸: ۳۰۵) آری خداوند خورشید را در آسمان روشن کرد تا تاریکی را از خانه انسان‌ها با وجود دور بودنش از خورشید روشن سازد. همان خداوند خورشید معرفت را در قلب انسان‌ها روشن کرد تا تاریکی معصیت و کفر را از قلب انسان‌ها زایل کند. (رازی، ۱۴۲۰، ۲۲: ۲۹)

۳. اصول هنر و زیبایی در قرآن

به نظر می‌رسد آنچه به‌عنوان بایدهای کلی و تجویزی در علوم تربیتی به‌عنوان اصول تربیتی مطرح است، همین تعریف از اصول را برای هنر و زیبایی در قرآن کریم در موارد ذیل گرفت:

۱-۳. اصل هدایت‌گری

قرآن کریم تمام هنر و زیبایی که به کار می‌برد، برای هدایت‌گری و ارشاد مردم است. خدای سبحان می‌فرماید:

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ



لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا؛ (اسراء: ۹) این قرآن، به راهی که استوارترین راه‌ها است، هدایت می‌کند و به مؤمنانی که اعمال صالح انجام می‌دهند، بشارت می‌دهد که برای آن‌ها پاداش بزرگی است.

تفسیر نوین آمده است:

آنچه دانشمندان و محققان چاره‌جو و رجال اصلاح طلب با اختلاف در مذاق و مشرب و با تفاوت در انتخاب راه و کیفیت عمل عموماً از سید جمال تا سید قطب بر آن اتفاق دارند، این است که برای رهایی مسلمین از انحطاط و ذلت کنونی و رسیدن به عزت و سعادت نخستین، باید اسلام حقیقی شناخته شود و پندارهای بی‌اساس و اوهام باطلی که به نام افکار و عقاید دینی رواج یافته از میان برود. با مراجعه قرآن کریم می‌توان جمیع انحرافات فکری و اعتقادی و عملی مسلمین را که به وسیله بیگانگان مفسد و مغرض یا خلفا و حکام جور و جهل خود مسلمان‌ها یا هر عامل دیگر در طول تاریخ پدید آمده، تشخیص داد و راه راست را بازشناخت. بنابراین درمان جمیع دردها و اصلاح همه مفاسد و وصول به همه سعادات را باید از قرآن خواست (ر.ک. شریعتی، ۱۳۴۶، مقدمه: ۲) که به زیبایی معرفی کرده و راه‌های سعادت را با هنرمندی نشان داده است.

۲-۳. اصل اثرگذاری معنوی

اثرگذاری معنوی یکی از اصولی است که در قرآن کریم جایگاه ویژه دارد. این اصل می‌تواند محور زیبایی و هنر در قرآن کریم قرار گیرد. «عارفان مسلمان بر این موضوع تأکید داشته‌اند و برخی از قرآن‌پژوهان به اثرگذاری‌های معنوی قرآن به صورت ویژه‌ای پرداخته‌اند. به عنوان نمونه ابواسحاق ثعلبی (م ۴۲۷) کتابی به نام «قتل القرآن» دارد. وی در این کتاب به کسانی اشاره می‌کند که در اثر انس با قرآن دگرگون و زندگانی آنان زیر و رو شده است». (ایازی، ۱۳۸۵: ۵) قرآن نیز این ویژگی را یاد کرده و می‌فرماید:

اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَانًى تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ ذَٰلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ



يُضِلُّ اللّٰهُ فَمَّا لَهُ مِنْ هَادٍ؛ (زمر: ۲۳) خداوند بهترین سخن را نازل کرده، کتابی که آیاتش (در لطف و زیبایی و عمق و محتوا) همانند یکدیگر است؛ آیاتی مکرر دارد (با تکراری شوق‌انگیز) که از شنیدن آیاتش لرزه بر اندام کسانی که از پروردگارشان می‌ترسند، می‌افتد. سپس برون و درونشان نرم و متوجه ذکر خدا می‌شود. این هدایت الهی است که هر کس را بخواهد با آن راهنمایی می‌کند و هر کس را خداوند گمراه سازد، راهنمایی برای او نخواهد بود.

این آیه شریفه اشاره به زیبایی در قرآن می‌کند و قرآن کریم را زیباترین سخن می‌داند که به دو نکته اشاره دارد؛ اثرگذاری معنوی و تحول‌آفرینی. آری مخاطب قرآن کریم اول تحت تأثیر قرار می‌گیرد و سپس خضوع و خشوع در او ایجاد می‌شود. صاحب‌المیزان می‌گوید:

«تقشعر» از مصدر «اقشعرار» است که به معنای جمع شدن با شدت پوست بدن است از ترسی که در اثر شنیدن خبر دهشت‌آور یا دیدن صحنه دهشت‌آور دست می‌دهد و این جمع شدن پوست بدن اشخاص در اثر شنیدن قرآن، تنها به خاطر این است که خود را در برابر عظمت پروردگارشان مشاهده می‌کنند. پس در چنین وضعی وقتی کلام خدا را بشنوند، متوجه ساحت عظمت و کبریایی او گشته و خشیت بر دل‌هایشان احاطه می‌یابد و پوست بدن‌هایشان شروع به جمع شدن می‌کند. کلمه «تلین» متضمن معنای سکون و آرامش است، پس معنایش این است که بعد از جمع شدن پوست‌ها از خشیت خدا، بار دیگر پوست بدنشان نرم می‌شود و دل‌هایشان آرامش می‌یابد، چون به یاد خدا می‌افتند و با همان یاد خدا آرامش می‌یابند. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۷: ۲۵۴)

در جای دیگر قرآن کریم به جنبه دیگری از موضوع اشاره می‌کند که تعدادی از مردم است که با شنیدن آیات قرآن کریم اشک از چشم‌هایشان جاری می‌شود:

وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنْزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَى أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ؛ (مائده: ۸۳) و هر زمان آیاتی را که بر پیامبر (اسلام) نازل شده بشنوند، چشم‌های آن‌ها را می‌بینی که (از شوق)، اشک می‌ریزد،



به خاطر حقیقتی که دریافته‌اند، می‌گویند پروردگارا! ایمان آوردیم پس ما را با گواهان (و شاهدان حق، در زمره یاران محمد) بنویس.

۳-۳. ساختار هندسی

زیبایی‌شناسی قرآن کریم مبتنی بر اصل دیگری است که برخاسته از ساختار ویژه زبان قرآن است. این ساختار، بیانگر نظم و پیوند میان موضوعات است. بر این اساس مفاهیم قرآن کریم در یک نظام معناشناختی قرار دارد که به‌کارگیری واژه در یک نظام چندجانبه معنادار خواهد بود. از این رو برای کشف معنا، افزون بر روشن ساختن جایگاه واژه در فرهنگ لغت و قرآن، باید واژه را در حوزه‌ای از واژه‌های دیگر و در ترکیب میان کلمات جستجو کرد و ساختار هندسی آن را به دست آورد، در این صورت شناخت‌شناسی زیبایی قرآن در سایه ساختار هندسی با ارائه موضوع منسجم و سیستمی در کنار موضوعات و مفاهیم، معنا و مفهوم پیدا می‌کند. با این روش می‌توان میدان‌هایی از مفاهیم را نشان داد که ارتباط هر یک با موضوعات دیگر را روشن می‌کند و ژرفایی کلام را نمایان می‌سازد. در این نوع پیوستگی، نه سخن از سوره است و نه سخن از آیه، بلکه سخن از معنابخشی خاص مفاهیم و کلمات و تعیین جایگاه آن در قرآن است در این روش، هدف کشف معانی و درک پیام وحی است و لذا همواره معطوف به ساختار کلمات در ارتباط با دیگر واژه‌ها است. این گفته بر این اصل استوار است که مفاهیم به‌کاررفته در قرآن، نوعی پیوند در جهان‌بینی دارد، از پشتوانه عقیدتی و فرهنگی برخوردار است و بدون پژوهش گسترده و معناشناسانه در کل قرآن چنین درکی حاصل نمی‌شود.

توشیکو ایزوتسو اسلام پژوه جاپانی دو کتاب در زمینه قرآن دارد که میان قرآن پژوهان بیش از آثار دیگر او مورد توجه قرار گرفته است؛ «خدا و انسان در قرآن»، «مفاهیم اخلاقی در قرآن». وی در این دو کتاب به دنبال کشف ساختار هندسی خدا و انسان و مفاهیم اخلاقی با اصل پیوستگی میان مفاهیم کلیدی و پیدا کردن میدان‌های معناشناختی آن از واژه‌های اصلی قرآن است. او نگرشی جامع و سازواره از کل مفاهیم قرآن را در این روش دنبال می‌کند و به حق دریافته که طرح معارف قرآن در یک



حرکت معنی‌شناختی سیستماتیک قابل‌شناسایی است؛ زیرا خود تصریح می‌کند که «کاوش در واژگان، حاصل تلاشی است در شبکه‌ای پیچیده و وسیع از ارتباطات چندجانبه میان کلمات». (ایزوتسو، ۱۳۶۲: ۳)

بنابراین زیبایی‌شناسی قرآن مجید، مبتنی بر شناخت کشف لایه‌های کلام و دریافت پیام است و این در صورتی عملی خواهد بود که زبان قرآن و نظام معنایی پیوسته آن، شناسایی شود و عمق معانی و جنبه‌های ناشناخته آن که همواره در تفسیر درباره کشف و پرده‌برداری آن سخن می‌رود، شناسایی شود. (ایازی، ۱۳۸۵: ۵)

۴. روش‌های هنر و زیبایی در قرآن

مجموعه اقدامات جزئی را که برای انجام یک عمل انجام می‌گیرد، روش می‌گویند. قرآن کریم نیز از این مدل روش‌ها دارد که به مواردی از آن اشاره می‌شود:

۴-۱. هم‌آوایی قرآن

هم‌آوایی و توازن عبارات قرآن کریم، یکی از روش‌های بیان هنری و زیبایی از سوی قرآن کریم است؛ چنانکه خود قرآن نیز از لحاظ صنعت فصاحت و بلاغت و هنر ادبی، هم‌آوا است. (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۱: ۱۲۸)

مراد از آوا، آوا داشتن و تجانس و توازن عبارات قرآنی است. حروف تشکیل‌دهنده یک کلمه، جایگاه خاص و سنجیده دارد؛ به شکلی که اگر هر تعبیری از تعبیر قرآن، بخواهد جایگزین تعبیر مشابه آن یا حذف شود، فصاحت و بلاغت قرآن، دچار خدشه می‌شود. آهنگ سازمان یافته حروف، موجب بر دل نشستن آن در قلب هر انسانی می‌شود. به عبارت دیگر همسانی صوتی یک کلمه با کلمه دیگر و قرار داشتن اصوات و آواها در یک سیستم صوتی مکرر و پی‌درپی، همانند اوزان شعری یا عبارات موزون و آهنگ داخلی و همسانی و هماهنگی اصوات با مفهوم، از جمله شیوه‌هایی است که می‌توان به روشنی در متن قرآن کریم مشاهده کرد. برای نمونه آیاتی از سوره تکویر را می‌آوریم:

إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ وَإِذَا



الْوَحْشُ حُسْرَتٌ؛ (تکویر: ۱-۵) در آن هنگام که خورشید درهم پیچیده شود، و در آن هنگام که ستارگان بی فروغ شوند و در آن هنگام که کوه‌ها به حرکت درآیند و در آن هنگام که با ارزش‌ترین اموال به دست فراموشی سپرده شود و در آن هنگام که وحش جمع شوند.

۲-۴. بیان قصه و داستان در قرآن

یکی از روش‌های جذب مخاطبین و تأثیرگذاری مطالب، بیان آن‌ها در قالب داستان است که در تعالیم انبیای الهی (علیهم‌السلام) و کتاب‌های آسمانی و آموزش‌های دینی، برای پیام‌رسانی بیشتر و تأثیر تربیتی مؤثرتر، مورد توجه است.

داستان‌هایی که در قرآن کریم مطرح شده، نوعی از طرح حقیقی «واقعیت» است نه آن‌که صرفاً «حکایت» یا «کشف» یا «نگاهی» کوتاه به واقعیتی باشد که در دایره واقعیت‌های ممکن یا محتمل در داستان قرار دارد، به عبارت دیگر، داستان‌های قرآن کریم، برخلاف آنچه در داستان‌های ساخته و پرداخته اندیشه بشر است، ساخته و پرداخته «حوادث مجهول» نیست، بلکه داستان قرآنی پرداختن به واقعیت‌های موجود است، پرداختن به واقعیت بر اساس «گزینش»، رخدادها، شخصیت‌ها و محیط‌های مناسب و مورد نظر است. این گزینش و این نحوه پرداختن به واقعیت‌ها به گونه‌ای است که از داستان‌های ساخته فکر بشر به نام داستان‌های تاریخی، کاملاً متمایز است. (ایازی، ۱۳۸۵: ۵)

از طرفی عنصر داستانی در قرآن کریم، گاهی یک سوره را به طور کامل و گاهی بخشی از یک سوره را به خود اختصاص داده است. با توجه به این شیوه در برخی از سوره‌ها تنها یک داستان وجود دارد و در برخی دیگر بیش از یک داستان. این داستان‌ها بر اساس هدف فکری سوره و رسالت آن شکل می‌گیرد. داستان‌های قرآنی را می‌توان بر اساس معیارها و اصطلاحات بشری این گونه دسته‌بندی کرد: به داستان بلند «رمان» نظیر سوره یوسف^(۴) و برخی از داستان‌های حضرت موسی^(۵) و نیز به داستان کوتاه، نظیر اکثر داستان‌های قرآنی و حکایات، مانند اکثر حکایت‌های قرآنی که کلمات نقل شده از کس دیگر، بدون آن‌که حرکت یا صیغه آن کلمه تغییر کند،



مثل نقل گفتار حضرت موسی (علیه السلام) در مقابل فرعون و یا نقل گفتار فرعون به حضرت موسی^(ع) و مانند آن.

۵. بیان انواع زیبایی در قرآن

قرآن کریم مواردی را با عنوان زیبایی شناخته است یا به عبارتی قرآن کریم مواردی را خودش به زیبایی از آن یاد کرده است که در ذیل به نمونه‌هایی اشاره می‌شود:

۱-۵. زیبایی انسان‌ها

در برخی از آیات قرآن به چگونگی ترکیب انسان‌ها و گزینش دست و پا و سر و صورت و چینش و نحوه قرار گرفتن اعضای بدن و زیبایی این چینی‌اش اشاره شده است که قرآن کریم بیان می‌کند:

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ؛ (تین: ۴) که ما انسان را در بهترین صورت و نظام آفریدیم. وَ صَوَّرَكُم فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ وَ رَزَقَكُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ ذَلِكَمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَتَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ؛ (غافر: ۶۴) و شما را صورتگری کرد و صورتتان را نیکو آفرید و از چیزهایی پاکیزه به شما روزی داد. این است خداوند پروردگار شما. جاوید و پربرکت است خداوندی که پروردگار عالمیان است.

صاحب تفسیر الطیب البیان در مقام بیان تعادل و توازن قوا در بدن و در تفسیر «وَ صَوَّرَكُم فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ» می‌گوید: «صورت‌بندی و اسکلت بدن را تمام فرمود از جمیع اعضای بدن از دست، پا، سر و گردن، چشم، گوش، دهان، رگ، پوست، قلب، جوارح و اجزای داخله بدن». (طیب، ۱۳۷۸، ۱۰: ۴۵۰) لذا از نظر ایشان، زیبایی در صورت‌گیری جوارح انسان، یعنی تمام و کمال و متناسب با هم آفریدن آن‌ها. چنانکه می‌نویسد:

هر عضوی به جای خود از فرق سر تا ناخن پا و زوجین آن‌ها معادل یکدیگر دو چشم عدل هم یکی کوچک و یکی بزرگ قرار نداد، دو گوش مطابق هم دو ابرو، دو دست، دو پنجه، دو پا یکی کوتاه و یکی بلند قرار نداد، تمام مطابق یکدیگر حتی قوای هریک متناسب با آن عضو، مثل قوای باصره، سامعه، شامه، لامسه، قوای باطنیه حس مشترک واهمه، حافظه، متخیله، متفکره و غیر این‌ها. (همان، ۱۴: ۲۴)



در فرهنگ زیباشناسی قرآن عظیم الشان، علاوه بر زیبایی روحی انسان که خلیفه الهی است، به زیبایی جسمی انسان‌ها نیز توجه شده است. در معارف قرآنی به زیبایی زن‌های دنیوی اشاره شده است چنانکه می‌فرماید:

لَا يَحِلُّ لَكَ النِّسَاءُ مِنْ بَعْدُ وَلَا أَنْ تَبَدَّلَ بِهِنَّ مِنْ أَزْوَاجٍ وَلَوْ أَعْجَبَكَ حُسْنُهُنَّ؛ (احزاب: ۵۲) بعد از این دیگر زنی بر تو حلال نیست و نمی‌توانی همسرانت را به همسران دیگری مبدل کنی [بعضی را طلاق دهی و همسر دیگری به جای او برگزینی] هر چند جمال آن‌ها مورد توجه تو واقع شود.

همین‌طور به زیبایی زن‌های بهشتی (حوریان) اشاره شده است، چنانکه می‌فرماید:

إِنَّا أَنْشَأْنَاهُنَّ إِنْشَاءً فَجَعَلْنَاهُنَّ أَبْكَاراً عُرْباً أَثَرَاباً؛ (واقعه: ۳۵-۳۷) ما آن‌ها را آفرینش نوینی بخشیدیم و همه را دوشیزه قرار دادیم، زنانی که تنها به همسرشان عشق می‌ورزند و خوش‌زبان و فصیح و هم‌سال هستند.

۲-۵. زیبایی آسمان

یکی دیگر از مصادیق زیبایی در قرآن کریم، زیبایی آسمان است که با مناظر زیبا و پرجاذبه و پر از ستاره خود چشم هر زیباخواهی را به خود مجذوب می‌کند و به هنرمندان درس هنرنمایی و زیباآفرینی می‌دهد:

إِنَّا زَيْنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ؛ (صافات: ۶) ما آسمان نزدیک [پایین] را با ستارگان آراستیم. وَزَيْنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ؛ (فصلت: ۱۲) و آسمان پایین را با چراغ‌هایی [ستارگان] زینت بخشیدیم.

مراد از (سماء) بلندی و فضای دور زمین است و مراد از دنیا همین کره خاکی است که بنی آدم در آن زندگی می‌کنند، نه کل آفرینش و مراد از ستارگان همان ستارگان نزدیک به زمین است که خداوند ستارگان را با جمیع اشکال، فوائد و منافع آن، برای آسمان دنیای ما زینت و جمال قرار داده است. (مغنیه، ۱۴۲۴، ۶: ۳۳۰) تزئین فضای آبی‌رنگ به وسیله این ستارگان سفید و درخشان است. اهمیت این تزئین و زیبایی آن وقتی معلوم می‌شود که یک انسان با معرفت در دل شب و هوای صاف بر مکانی



بلندی برود و خوش منظره بودن آسمان را بررسی کند. هرچند نمی‌تواند به کنه آن پی ببرد، بلکه نظیر شخص تشنه‌ای است که به قدر تشنگی خویش از آب دریا بیاشامد. (نجفی خمینی، ۱۳۹۸، ۱۶: ۳۲۰) این آیات اشاره به این دارد که خداوند در ذات انسان غریزه زیباجویی قرار داده و بهترین اثرهای هنری و زیبایی را به عنوان نسخه شبیه به اصل به وجود آورده است. آنگاه به این غریزه خفته هشدار می‌دهد که به مناظر زیبای آسمان و زمین به دقت بنگرد تا به علم و قدرت و حکمت خداوند پی ببرد و معرفت کسب کند.

۳-۵. زیبایی جانداران

در اندیشه زیباشناسی قرآن، حیوانات یکی از مظاهر زیبایی در خلقت هستند که به زیبایی آن‌ها اشاره شده است:

وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنَافِعُ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ؛ (نحل: ۵-۶) و چهارپایان را آفرید در حالی که در آن‌ها، برای شما وسیله پوشش و منافع دیگری است و از گوشت آن‌ها می‌خورید و در آن‌ها برای شما زینت و شکوه است به هنگامی که آن‌ها را به استراحتگاهشان باز می‌گردانید و هنگامی که (صبحگاهان) به صحرا می‌فرستید.

خداوند انعام را (شتر، گاو، گوسفند، بز و...) که در سوره انعام به ازواج ثمانية تعبیر شده است با ملاحظه وجود نر و ماده در آن‌ها خلق کرد برای معیشت و انتفاع بنی آدم تا از پشم و کرکشان فرش، روپوش و لباس تهیه کنند و گرم شوند و از شیر و سواری و شیار زمین و روغن و سایر منافع آن‌ها بهره‌مند گردند و گوشتشان را نیز حلال فرمود که بخورند. به علاوه موجب جمال، زینت، آرایش و نمایش جلو خانه‌های صاحبانشان شوند در دو وقت، یکی وقتی که اهمیتش بیشتر است و لذا مقدم ذکر شده با آنکه طبعاً مؤخر است، وقتی است که صاحبان انعام، آن‌ها را با شکم‌های پر و پستان‌های مملو از شیر از چراگاه به جایگاهشان برمی‌گردانند، دیگر وقتی است که ایشان آن‌ها را از جایگاهشان به چراگاه روانه می‌کنند. (ر.ک. ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸، ۳: ۲۷۲)

۴-۵. زیبایی طبیعت

زیبایی‌های طبیعت یکی دیگر از مصادیق زیبایی در منطق زیبانگری قرآن است که به مناظر زیبا و دلنواز آن اشاره کرده است:

إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لِّهَا لِيَبْلُوهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا؛ (کهف: ۷) ما آنچه را روی زمین است، زینت آن قرار دادیم تا آن‌ها را بیازماییم که کدامینشان بهتر عمل می‌کند.

جهانی پرزرق و برق ساختم که هر گوشه‌ای از آن دل می‌برد، دیدگان را به خود مشغول می‌دارد و انگیزه‌های مختلف را در درون آدمی بیدار می‌کند تا در کشاکش این انگیزه‌ها و درخشش این زرق و برق‌ها و چهره‌های دل‌انگیز و دلربا، انسان بر کرسی آزمایش قرار گیرد و میزان قدرت ایمان و نیروی اراده، معنویت و فضیلت خود را به نمایش بگذارد. (ر.ک. مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۲: ۳۵۰)

إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أُنْزِلَتْهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّى إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَنْ لَّمْ تَغْنَبِ بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ؛ (یونس: ۲۴) مثل زندگی دنیا، مثل آبی است که از آسمان نازل کرده‌ایم که در پی آن، گیاهان (گوناگون) زمین - که مردم و چهارپایان از آن می‌خورند - می‌روید تا زمانی که زمین، زیبایی خود را یافته و آراسته می‌گردد و اهل آن مطمئن می‌شوند که می‌توانند از آن بهره‌مند گردند، (ناگهان) فرمان ما شب‌هنگام یا در روز، (برای نابودی آن) فرامی‌رسد؛ (سرما یا صاعقه‌ای را بر آن مسلط می‌سازیم) و آن چنان آن را درو می‌کنیم که گویی دیروز هرگز (چنین کشتزاری) نبوده است. این گونه آیات خود را برای گروهی که می‌اندیشند، شرح می‌دهیم.

خداوند از یک سو قدرت و عظمت خاص خود را در روی زمین به انسان‌ها نشان داده و از سوی دیگر، ذوق و توان زیبایی‌شناسی را در انسان قرار داده تا با استفاده از این توان، به کسب معرفت پروردگار بپردازد. در فصل بهار شکوفه‌ها، شاخساران را زینت می‌دهد، گل‌های رنگارنگ دشت و خاک را زیبا می‌کند و گیاهان در پرتو نور





آفتاب می‌درخشند و ساقه‌ها و شاخه‌ها همراه وزش باد در طربند. دانه‌های غذایی و میوه‌ها کم‌کم خود را نشان می‌دهد و صحنه پر جوشی را از حیات و زندگی به تمام معنا مجسم می‌کند که دل‌ها را پر از امید و چشم‌ها را پر از شادی و سرور می‌سازد، آن چنان که «اهل زمین مطمئن می‌شوند که می‌توانند از مواهب این گیاهان بهره گیرند، هم از میوه‌ها و هم از دانه‌های حیات بخششان». (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۲: ۳۵۰)

۵-۵. زیبایی رنگ‌ها

رنگ‌های یکی دیگر از نمودهای زیبایی است؛ زیرا چه بسا اجسام و اجرامی که فقط به خاطر رنگ خاص خود جلب توجه می‌کند. این رنگ‌ها اگر در آفریدگان خداوند به کار رفته باشد، چه بسا انسان‌ها را به تفکر وادارد و راه خداشناسی را برایشان نشان بدهد. رنگ‌ها در فرهنگ زیباشناسی قرآن کریم، نیز نمود خاصی دارد. چنانکه می‌فرماید: «إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَاءُ فَاقِعٌ لَوْنُهَا تَسُرُّ النَّاظِرِينَ» (بقره: ۶۹) گاوی باشد زرد یکدست که رنگ آن، بینندگان را شاد و مسرور سازد». خداوند در جواب آن‌ها فرمود: «رنگ گاو، زرد شدید و پررنگ و خالص باشد. رنگی که بینندگان را شادمان کند؛ یعنی از خوش اندامی، سلامتی، رنگ و زیبایی خاصی برخوردار باشد». (قرائتی، ۱۳۸۳، ۱: ۱۳۵)

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بَيَضٌ وَحُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَغَرَايِبُ سُودٌ؛ (فاطر: ۲۷) آیا ندیدی خداوند از آسمان آبی فرو فرستاد که به وسیله آن میوه‌هایی رنگارنگ (از زمین) خارج ساختیم و از کوه‌ها نیز (به لطف پروردگار) جاده‌هایی آفریده شده سفید و سرخ و به رنگ‌های مختلف و گاه به رنگ کاملاً سیاه.

تنوع موجودات بی‌جان و چهره‌های مختلف و زیبای حیات در نباتات، حیوانات و انسان، مورد توجه قرار گرفته که چگونه خداوند «از آب بی‌رنگ صد هزاران رنگ» پدید آورده و از عناصر معین و محدود، موجودات کاملاً متنوع که هریکی از دیگری زیباتر است، آفریده است. این نقاش چیره‌دست با یک قلم و یک مرکب، انواع



نقش‌ها را ابداع کرده که بینندگان را مجذوب و شیفته و مفتون می‌کند... آری می‌بیند که از آب و زمین واحد یکی بی‌رنگ و دیگری تنها دارای یکرنگ این همه رنگ‌های مختلفی از میوه‌های گوناگون، گل‌های زیبا، برگ‌ها و شکوفه‌ها، در چهره‌های مختلف به وجود آمده است.

«الوان» در آیه فوق، ممکن است به معنای رنگ‌های ظاهری میوه‌ها باشد که حتی در یک نوع میوه مانند سیب، الوان گوناگونی وجود دارد، چه رسد به میوه‌های مختلف. یا ممکن است کنایه از تفاوت در طعم و ساختمان و خواص گوناگون آن‌ها باشد تا آنجا که حتی در یک نوع میوه باز اصناف گوناگونی وجود دارد، چنان‌که مثلاً در انگور شاید بیش از ۵۰ نوع و در خرما حدود ۷۰ نوع وجود دارد. (ر.ک. مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۸: ۲۴۴)

۶. اهداف بیان هنر و زیبایی در قرآن

قرآن کریم وقتی از هنر و زیبایی استفاده می‌کند، برای این امر اهدافی را در نظر دارد که در ذیل به چند مورد از آن اهداف اشاره می‌شود:

۱-۶. خضوع و خشوع مخاطب

هدف از زیبایی قرآن کریم ایجاد تحول فکری، روحی و خشوع و خضوع مخاطب است. چنانکه قرآن کریم می‌فرماید:

اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَانًى تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ؛ (زمر: ۲۳) خداوند بهترین سخن را نازل کرده، کتابی که آیاتش (در لطف و زیبایی و عمق و محتوا) همانند یکدیگر است؛ آیاتی مکرر دارد (با تکرار شوق‌انگیز) که از شنیدن آیاتش لرزه بر اندام کسانی که از پروردگارشان می‌ترسند، می‌افتد. سپس برون و درونشان نرم و متوجه ذکر خدا می‌شود. این هدایت الهی است که هر کس را بخواهد با آن راهنمایی می‌کند و هر کس را خداوند گمراه سازد، راهنمایی برای او نخواهد بود.



۲-۶. رسیدن به جمال خدا

انسان به خاطر شدت علاقه به جمال و زیبایی همواره به دنبال آن می‌رود و کامل‌ترین و بلکه اکمل آن را فقط در رسیدن به خداوند می‌توان دید. لذا برخی از نویسندگان گفته‌اند:

زیبایی و جمال که در معرض درک آدمی نهاده می‌شود، سبب تحریک ذوق و احساس خاص زیباجویی و علاقه‌مندی او می‌شود. بدین جهت، جمال خداوندی که از مقوله غیرقابل شهود ظاهری است، به او عرضه می‌شود تا انسان با مراجعه و درک شگفت‌انگیز زیبایی درون خود و شکوه و جلال و جمال هستی، به زیبایی خالق آن‌ها پی برد و به‌سوی او حرکت کند. در دعوت به نظاره زیبایی‌های عالم این هدف دنبال می‌شود. آنجا که می‌گوید: «زیبایی آسمان را ما به وجود آورده‌ایم. در پایان نیز تصریح می‌کند که این زیبا آفرینی کار خالقی عزیز و یکتا است».^۱ (شریعتی مزینانی، ۱۳۶۴: ۶۰)

۳-۶. برای عبرت‌گیری

قرآن کریم توصیه می‌کند که اگر با قصد عبرت‌گیری به آسمان و زیبایی‌های آن بنگرید، دیگر انکار و تکذیب نخواهی کرد:

بَلْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَهُمْ فِي أَمْرٍ مَرِيجٍ أَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَزَيَّنَّاهَا وَمَا لَهَا مِنْ فُرُوجٍ؛ (ق: ۵-۶) آن‌ها حق را وقتی به سراغشان آمد، تکذیب کردند. از این رو پیوسته در کار پراکنده خود متحیرند. آیا آنان به آسمان بالای سرشان نگاه نکردند که چگونه ما آن را بنا کرده‌ایم و چگونه آن را (به وسیله ستارگان) زینت بخشیده‌ایم و هیچ شکاف و شکستی در آن نیست.

۴-۶. برای تخلق به زیبایی

ایمان به خداوند، عفو و بخشش، جدایی و مفارقت، صبر و بردباری وقتی رنگ الهی بگیرد از نظر قرآن کریم، زینت به شمار می‌رود تا حس زیبایی خواهی فطری انسان

۱. وَ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ وَ حِفْظًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ؛ (فصلت: ۱۲) و آسمان پایین را با چراغ‌هایی [ستارگان] زینت بخشیدیم و (با شهاب‌ها از رخنه شیاطین) حفظ کردیم. این است تقدیر خداوند توانا و دانا.



را به‌سوی زیبایی‌های معقول دعوت کند و تبیین کند که این اصول و آرمان‌ها، آن واقعیات زیبا هستند که هم خودشان زیبایند و هم آن‌کس را که به آن‌ها متصف گردد، زیبا نشان می‌دهند. چنانکه از آثار ناخوشایند رفتاری یک انسان، به زشتی روح و درون او پی می‌بریم و از تبلور رفتارهای زیبای او به روح زیبایش پی می‌بریم؛ زیرا رفتارهایی را که انسان به زیبایی توصیف می‌کند، وقتی با روح بیدار می‌نگریم، خواهیم یافت که در هر یک از این موارد، همسازترین گزینه با فطرت آدمی است. (ر.ک. قاسمی، ۱۳۸۷: ۴۵)

علامه محمدتقی جعفری در توصیف روحی که مطابق با فرمان‌های الهی به زیباترین صورت به اعضا و جوارحش فرمان می‌دهد می‌گوید:

وقتی به رفتار امام علی^(ع) در زمینه‌های مختلف و بخشش و توصیه به مراعات حق قاتلش می‌نگریم، تصور و دریافت چنین روح پر از حشمت و جلال، عالی‌ترین شهود و ذوق زیبایی ما نیز تحریک می‌شود و سر می‌کشد و حتی جهان هستی را هم که چنین روحی در آن پرورده شده است، برای ما زیبا می‌نماید. (جعفری، ۱۳۸۹: ۳۰۴)

۵-۶. توجه به زیبایی‌های ظاهری

قرآن کریم به استفاده از زیبایی‌های خلقت اعم از خوردنی و پوشیدنی سفارش می‌کند و هدف این سفارش هم توجه به زیبایی‌های این نعمت‌های خداوند است. آیا ممکن است خالق یکتا انسان را باروحیه و افکار زیباپسند بیافریند، ولی او را از به‌کارگیری استعداد خدادادی خویش باز دارد. چنین سخنی خلاف حکمت و مقتضای اندیشه صحیح است، بلکه هر استعدادی که در انسان نهاده شده است، راه به کمال و فعلیت رسیدن آن نیز تصویر شده تا انسان در مسیر زندگی گرفتار خطا نشود. علاوه بر این اگر قرآن انسان‌ها را از استفاده زیبایی‌ها بازدارد، سبب تنفر انسان از چنین آیینی می‌شود و چنین اندیشه‌ای با روح دینی که بر اساس فطرت و نیازهای بشر آمده است، سازگار نخواهد بود. قرآن کسانی را که زیبایی‌های حلال الهی را تحریم می‌کنند، نکوهش می‌کند و استفاده‌بندگان از مواهب الهی را مطلوب می‌داند و آن را غایت خلقت آن‌ها معرفی می‌کند. (ر.ک. شریعتی مزینانی، ۱۳۶۴:

(۶۵) قرآن کریم در زمینه می‌فرماید:

قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ؛ (اعراف: ۳۲)

بگو چه کسی زینت‌های الهی را که برای بندگان خود آفریده و روزی‌های پاکیزه را حرام کرده است؟ بگو این‌ها در زندگی دنیا، برای کسانی است که ایمان آورده‌اند (اگرچه دیگران نیز با آن‌ها مشارکت دارند ولی) در قیامت، خالص (برای مؤمنان) خواهد بود. این‌گونه آیات (خود) را برای کسانی که آگاهند، شرح می‌دهیم.

قرآن کریم در جایی دیگر می‌فرماید:

يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَ كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ؛ (اعراف: ۳۱) ای فرزندان آدم! زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد، با خود بردارید و (از نعمت‌های الهی) بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست نمی‌دارد.

نتیجه‌گیری

از همان آغاز نزول قرآن که پیامبر^(ص) آیات را برای مردم می‌خواند، مردم می‌دانستند که این کتاب انسان‌ها را به توحید دعوت می‌کند و کتاب هدایتگر و تربیت‌کننده است، انسان را به‌سوی اخلاقیات و اوصاف انسانیت سوق می‌دهد و از رذایل اخلاقی نهی می‌کند. بخشی از قدرت قرآن کریم برای جذب دل‌ها هم در جزیره العرب و هم در طول تاریخ، به گفتار بلیغ و استخدام الفاظ زیبا و دل‌نشین، برمی‌گردد. به لحاظ تربیتی انسان تحت تأثیر این جنبه قرآن قرار می‌گیرد و به‌سوی آن گرایش پیدا می‌کند و در نتیجه منجر به تأثیرگذاری در عمل و رفتار انسان می‌گردد. آری زیبایی‌های قرآن کریم را خود انسان با فطرت خداجویی خود درمی‌یابد و تأثیر درونی آن را با وجدان درمی‌یابد. هنر و زیبا خواهی یک امر فطری و ذاتی در انسان‌ها است که همه انسان‌ها امر زیبای را دوست دارد و این امر که استفاده از این ابزار برای تأثیر بر دیگران و به گونه تربیت غیرمستقیم و سمت و سودادن نگرش دیگران، فکر



و اندیشه، رفتار، خلق و خوی دیگران در همین امر انجام می‌دهد. قرآن کریم نیز از این ابزار برای تغییر نگرش و گرایش دیگران استفاده کرده تا بتواند از این ویژگی ذاتی انسان‌ها بهره بگیرد و انسان‌ها را به سوی هدف متعالی خود سوق دهد تا امر تربیت در راستای اهداف خودش محقق شود.

قرآن کریم به تعدادی از مصادیق زیبایی مثل زیبایی آسمان و زیبایی‌های عالم طبیعت، اشاره کرده است، هدفش این است که به انسان بفهماند که اگر این‌ها این قدر زیبا و تاثیرگذار است، پس خالق این‌ها باید چقدر زیبا باشد! از اهداف تربیتی قرآن کریم بیان زیبایی‌ها چون خضوع و خشوع، عبرتگیری، تخلق به اخلاق حسنه و توجه به زیبایی‌های ظاهری است که تاریخ هم ثابت کرده که بسیاری از جویندگان زیبایی جذب زیبایی قرآن شده‌اند.



فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ایازی، محمدعلی، (۱۳۸۵)، *اصول و مبانی زیبایی شناسی قرآن*، پژوهشنامه قرآن و حدیث، شماره ۱.
۲. ایزوتسو، توشیهکو، (۱۳۶۲)، *خدا و انسان در قرآن*، (ترجمه: احمد آرام)، تهران: شرکت انتشار.
۳. تاجدینی، علی، (۱۳۶۹)، *اهتزاز روح (گردآوری از آثار شهید مطهری)*، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۴. ثقفی تهرانی، محمد، (۱۳۹۸ق)، *تفسیر روان جاوید*، تهران: انتشارات برهان.
۵. جعفری، محمدتقی، (۱۳۸۹)، *زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام*، تهران: موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
۶. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۸)، *تفسیر تسنیم*، قم: نشر اسراء.
۷. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۳)، *لغت نامه دهخدا*، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه.
۸. رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ق) *مفاتیح الغیب*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۹. زرکشی، محمد، (۱۳۷۶)، *البرهان فی علوم القرآن*، بیروت: دار احیاء الکتب العربی.
۱۰. شریعتی، محمد تقی، (۱۳۴۶)، *تفسیر نوین*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۱. صدوق، محمدبن علی، (۱۳۶۲)، *الخصال*، قم: جامعه مدرسین.
۱۲. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۴۱۷)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۳. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۱۴. طیب، سید عبد الحسین، (۱۳۷۸)، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: انتشارات اسلام.



۱۵. قاسمی، محمدعلی، (۱۳۸۷)، اسلام و زیبایی، قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان.

۱۶. قرائتی، محسن، (۱۳۸۳)، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

۱۷. مغنیه، محمد جواد، (۱۴۲۴ ق)، تفسیر الکاشف، تهران: دار الکتب الإسلامية.

۱۸. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۱۹. مناع القطان، (۱۴۲۱ ق)، مباحث فی علوم القرآن، بی‌جا: مکتبه المعارف للنشر والتوزيع.

۲۰. نجفی خمینی، محمد جواد، (۱۳۹۸ ق)، تفسیر آسان، تهران: انتشارات اسلامیه.

۲۱. نصیری، علی، (۱۳۸۷)، قرآن و هنر (تفسیر موضوعی ویژه جوانان)، بی‌جا: انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.

